



دبیرخانه دائمی جشنواره‌های فرهنگی هنری
جوانان مساجد کشور

خزوه نماز و امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و نهج البلاغه

ویژه شرکت کنندگان در مرحله استانی دوازدهمین جشنواره سراسری
قرآن کانون های فرهنگی، هنری مساجد کشور (مدامتان)

دبیرخانه دائمی جشنواره های فرهنگی هنری جوانان مساجد کشور

الله أكبر
الله أكبر
الله أكبر
الله أكبر

فصل اول

نماز در قرآن

وجع البلاغ

درس اول

مقدمه

بحث و بررسی در مورد نماز در دین اسلام در عین واضح و آشکار بودن، از موضوعات عمیق و قابل تامل است. همانطوریکه در قرآن آمده است موضوع تسبیح و تنزیه خداوند متعال و خالق هستی فقط مربوط به انسانها نیست بلکه این موضوع مربوط به کلیه مخلوقات اعم از فرشتگان، موجودات زنده و غیرزنده نیز میشود. (سوره جمعه، آیه ۱-سوره انبیا، آیه ۷۹-سوره رعد، آیه ۱۳-...)

انسان بالفطره خداپرست و خداگرا آفریده شده و از زمانی که خودش را می شناسد در راستای شناخت و ابراز عبادت نسبت به معبود خود قدم بر می دارد. فقط شکل و مصداق این عبادت در صورتی که در راستای تعالیم پیامبران باشد، در مسیر درست قرار خواهد گرفت و گرنه در جهات دیگر سوق پیدا می کند ولی در هر حال در روح و ذات مسئله همان روحیه پرستش در انسانها تجلی خواهد یافت.

نماز که مصداق واقعی عبادت و بندگی به درگاه خداوند متعال است اگر با رعایت تمامی جوانب امر صورت گیرد می تواند در پرورش روح و جسم بشری اثر عمیق و خارق العاده ای داشته و انسان را در مسیر واقعی که همان هدف خلقت است قرار بدهد. نماز و عبادت و بندگی به درگاه خداوندی در تمامی ادیان گذشته وجود داشته و تمامی پیامبران مردم را به این امر سفارش کرده اند. گرچه ممکن است شکل نماز در ادیان مختلف فرق داشته باشد. بهترین خصیصه ای که در یک جامعه اسلامی باید وجود داشته باشد «عبودیت خدای متعال و نفی کفر و شرک» است و یک انسان مؤمن و موحد در چنین جامعه ای معتقد است که

خداوند، هم صاحب انعام و احسان و رحمت و گذشت می‌باشد و هم دارای عدالت و مجازات و غضب و عذاب. لذا هم شاکر است و سپاسگزار، هم متقی و پرهیزگار. و نیز می‌داند که لازمه شکر گزاری از خداوند مَنّان و سپاس از نعمات بی‌پایانش، عبادت و پرستش او و دوری از گناه است. معمولاً قدرتمندان از وجود بندگان و زیردستان، برای آسایش خود بهره می‌برند و اگر مردم را وادار به کاری می‌کنند، به جهت کسب منافع شخصی است. ولی اگر خداوند بندگان را به نماز دعوت می‌کند؛ نه به خاطر نیاز به نماز بندگان است؛ بلکه منافع و برکاتش تنها متوجه خود آنان است. لذا می‌فرماید: «لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرِزُقُكَ»؛ «ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه به تو روزی می‌دهیم» نماز چیزی بر عظمت پروردگار نمی‌افزاید؛ بلکه سرمایه بزرگی برای تکامل انسان‌ها و کلاس عالی تربیتی بشر است.

در حقیقت این تعبیر، شبیه همان چیزی است که در سوره (ذاریات آیات ۵۶ - ۵۸) آمده است: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿۵۷﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۸﴾؛ «من جن و انس را نیافریدم؛ مگر به خاطر اینکه عبادتم کنند، من از آنها روزی نمی‌طلبم و نمی‌خواهم طعامم دهند. خداوند روزی دهنده همگان است و صاحب قدرت مستحکم».

قرآن کریم پایه‌های حکومت محرومان و مستضعفان را، برپایی نماز و پرداختن زکات و امر به معروف و نهی از منکر می‌داند:

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَخَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ الْأُمُورِ ﴿۱۱۱﴾ (۱)

۱- همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به

نماز از منظر قرآن کریم:

طبق فرموده خداوند متعال در قرآن کریم در ادیان گذشته، نماز وجود داشته و ذکر و یاد خداوند از این طریق در بین مردم رواج داشته است که به چند آیه از آیات قرآن در این زمینه اشاره می‌کنیم:

قرآن کریم از قول حضرت ابراهیم می‌فرماید:

پروردگارا، من یکی از فرزندانم را در دره‌های بی کشت و زرع، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم تا نماز را به پا دارد^۲ (سوره ابراهیم، آیه ۳۷).

یا در آیه ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «و چون از بنی اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر، خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم سخن بگویید و نماز را به پا دارید.» (سوره بقره، آیه ۸۳)

خداوند متعال در سوره روم، آیه ۳۱ می‌فرماید: ﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾

در این آیه خداوند متعال از بین همه اوامر فقط نماز را ذکر کرده که بایستی آن را به پا داشت که این مسئله اهمیت و جایگاه نماز را می‌رساند و از بین گناهان نیز شرک را ذکر فرموده که از بزرگترین گناهان محسوب میشود. بنابراین از این مسئله

→→→

معروف و نهی از منکر می‌کنند «سوره حج آیه ۴۱»

میتوان پی برد که یکی از تفاوت‌های فرد مشرک و با تقوی، اقامه نماز بوده و از اهمیت موضوع خبر می دهد.

یا دربخشی از آیات، نماز در کنار کتاب خدا آورده شده که نشان از جایگاه نماز میباشد. **يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ** ﴿٢٩﴾ (سوره فاطر، آیه ۲۹). دربخشی

از آیات قرآن، فلسفه نماز یاد کردن خداوند متعال ذکر شده است. **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي** ﴿١٤﴾ (سوره طه، آیه ۱۴).

درحقیقت یاد خدا بودن مساوی فراموشی غیر خدا میباشد. یا دربخش دیگری از آیات قرآن، خداوند متعال اثرات نماز را ذکر فرموده که نشان از جایگاه بلند نماز در کلیه شؤونات زندگی بشری میباشد.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ﴿٤٥﴾ (سوره عنکبوت آیه ۴۵) محققا نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز میدارد.

یا درسوره ای دیگر خداوند متعال می فرماید: ”ای اهل ایمان از نماز واز صبر کمک بخواهید و از این دومنبع نیرو استمداد کنید.“ (سوره بقره، آیه ۱۵۳).

در هر حال نماز از چنان جایگاهی در قرآن کریم برخوردار است که هم در کوچک ترین سوره (کوثر) و هم در بزرگترین سوره (بقره) از نماز ذکر شده است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: « **لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِعِيمِهِ** ». اگر خدا برای نافرمانی خود وعده عذاب نداده بود، باز بر

انسان واجب بود که به پاس شکر گزاری از نعماتش، نافرمانی و معصیتش را نکند.

«نعمت» عبارت از آن نفعی است که از جانب شخصی به شخصی دیگر برسد و غرض از ایصال نفع، فقط احسان به او باشد. به آن کسی که برای احسان نمودن نفع رسانی می‌کند «منعم» می‌گویند و طرف مقابل را «منعم». و تردیدی نیست که «منعم» واقعی، ذات اقدس حق تعالی است، زیرا نفعی که به انسان عاید می‌شود از دو قسم خارج نیست:

۱- منافعی که خداوند به انسان مرحمت فرموده و می‌فرماید.

۲- منافعی که از جانب مخلوق به انسان می‌رسد و معلوم است که این نعمت نیز از جانب خداست، زیرا اوست که آن «منعم» را آفریده و به او قدرت بر انعام داده است. لذا در قرآن کریم فرموده است: «ما بکم من نعمه فمن الله» هر نعمتی که شما بندگان دارید جملگی از خداست.

*** و به همین جهت شکر مخلوق، شکر خالق است.**

پس چون همه نعمت‌ها از ناحیه خداوند متعال است، شکر آن «منعم حقیقی» بر انسان لازم می‌باشد و از آن جایی که نعماتش بی‌پایان است پس شکر حقیقی او محال و غیر ممکن است.

و اما «شکر» فعلی است که ذاتا تعظیم و تکریم منعم را بفهماند، چه آن شکر با زبان باشد، چه با محبت قلبی و چه با عمل. و تعظیم و تکریم نیز مراتبی دارد: گاهی به حرکت دادن دست است، گاهی به برخاستن، گاهی به خم شدن و گاهی به خاک افتادن. بالاترین مرتبه شکر از خدا- که بیانگر نهایت خضوع و تعظیم و تذلل باشد- عبادت و پرستش آن ذات پاک است و مظهر اتمّ عبادت «نماز» است.

اگر چه نماز جزء اصول دین نیست، ولی با این حال از آن فروعی است که در شریعت آدم و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و دیگر پیامبران به گونه‌ای وجود داشته است.

نماز، نوبت احکام اسلامی و ساخته شده از وظایف روحانی و جسمانی است. نماز صحیح و دارای روح، قلب پژمرده و مضطرب بشر را طراوت و آرامش می‌بخشد، نماز روح آدمی را جلا و صفا می‌دهد و او را از بدیها و آلودگیها باز می‌دارد. نماز وسیله ارتباط با خداست.

با اندکی تامل خواهیم فهمید که در این عمل به ظاهر کوچک، چه خصوصیات بزرگی نهفته است. نماز معجونی ساخته شده و دارویی ترکیب یافته برای شفای تمامی دردهای روحی بشر است. نماز یکی از دو اصل است که چرخ سعادت بشری بر پایه آن می‌چرخد.

نماز قلبی، نماز گزار را سرانجام در زمره بندگان خاص خدا درآورده و به بهشت مخصوص حق تعالی وارد می‌کند، چه این که خداوند می‌فرماید: نماز یاد من است: «اقم الصلوة لذكری»

مفهوم شناسی

در این درس به فراگیری این امور خواهیم پرداخت :

۱. بررسی لغوی واژگان: اقامه ، صلاة
۲. بررسی تعبیری که مرتبط با نماز هستند.

۱. اقامه

* معنای اقامه

واژه اقامه از ماده «قوم» اشتقاق یافته است که معنای پابر جایی و حضور و توجه دارد، بنابراین به کسی که روی پای خود ایستاده و خمود و شکسته قامت نیست «قائم» می گویند. به انسانی که دست انسان دیگر را می گیرد و او را در کنار خود بلند می کند «قوام» می گویند و اگر توانست افراد بیشتری را پابر جا کند «قیّم» می گویند در نهایت به وجودی که دارای قدرت نامتناهی است و توانایی پابر جا کردن تمام هستی را دارد، «قیوم» می گویند که مختص ذات جلاله الهی است.

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»

اگر قرائت و خواندن نماز به تنهایی منظورِ نظرِ حضرت پروردگار بود، آدمی با یک بار خواندن در طول عمر، در زمرهٔ نمازگزاران قرار می‌گرفت و عنوان مصلی بر وی اطلاق می‌شد، اما مطلوب و خواستهٔ حضرت احدیت «اقامه» و برپایی نماز می‌باشد.

«حُذِّمْنَ أَمْوَالَهُنَّ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُنَّ وَتُزَكِّيَهُنَّ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِنَّ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُنَّ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةً.

درس دوم

موانع اقامه ی نماز

آنچه در این قسمت فراخواهیم گرفت:

۱. بررسی موانعی که قرآن آن امور را سدّ نماز و ذکر یاد می کند.
۲. بررسی ابعاد مختلف موانع نماز در عرصه های گوناگون.

۱. حب دنیا

« وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ »

نمازگزاران به سراغ کاروان رفتند و حضرت را که در حال ایستاده مشغول ایراد خطبه بود، تنها گذاشتند. این آیه نازل شد و آنان را توبیخ کرد.

این آیه اشاره به وجود ضعف ایمان در اجتماع و کاستی در سطح هماهنگی و همکاری با شعائر و برنامه‌های دین دارد. که گروهی بخاطر کوچکترین سرگرمی از بزرگترین فریضه الهی دست بر می دارند. که این دلالت بر حب و علاقه به دنیاست. که عامل انحراف از یاد خدا، را در علاقه به مادیات یا نفسانیات باید جستجو کرد. «تِجَارَةٌ أَوْ لَهْوًا»

۲ . نفاق

نفاق بیماری است که در روح آدمی وقتی خانه می کند روح عبادت و بندگی را به سقوط سوق می دهد، و یکی از مهمترین موانع اقامه نماز محسوب می شود که عاملی می شود برای کسالت و خودنمایی و ریا در نماز .

خدای متعال در باره می فرماید:

« إِنِّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا. »

٣. تسلط شيطان

« اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ »

نکات:

- «خلیل» به معنای دوست خاص و صمیمی است که مشاور انسان قرار می‌گیرد. نقش این گونه دوستان در زندگی انسان بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است؛ به طوری که بعد از اراده‌ی انسان، هیچ عاملی مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از دوست، در افکار، اخلاق و کردار انسان نیست و انسان به ویژه در دوران جوانی که شخصیت او شکل نگرفته و خواهان الگوست، خواه، ناخواه، تحت تأثیر دوستان صمیمی قرار می‌گیرد.

که دوست خوب آن است که دیدنش انسان را به یاد خدا بیندازد و سخنانش به
علم انسان بیفزاید. »

دوم : کسانی که نماز را به خاطر کسب خوشایند اجتماعی و رضایت مردمان و خودنمایی به جای می آورند.

* دو نشانه ریا کاران:

۱. وقتی تنها هستند در انجام عبادت کسل اند و هنگامی که در جمع اند شاداب و سرحال.

۲. وقتی تنها هستند نمازشان را سریع و در جمع آرام و با آداب .
معیار اخلاص آن است که آدمی در همه حال تنها «رضایت خدا» را معیار انجام و ترک عملی قرار دهد . مخلصین کسانی هستند که در پاسخ به آیه: «أَلَمْ يَعْلَمُوا بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»

۵. تجارت و روزمرگی ، مشغولیتی را فراهم می آورند که اشتغال به آنچه که از سوی خدای سبحان امر شده ایم را خواهد گرفت .
۶. سکر و مستی شراب و شباب و هوی و خواب و علم و ریاست ، موانعی هستند که سدّ ذکر الله نتیجه آنها است.

درس سوم

عقوبت ترک نماز

آنچه در این قسمت فرا خواهیم گرفت:

۱. ترک نماز چه عواقبی را در پی دارد؟

۲. آستانه ی عقوبت ترک نماز در چه حدود است؟

تعبیرات تکان دهنده‌ای در اسلام در باره‌ی ترک نماز وارده شده از جمله: شرک، کفر، حبط عمل، مردن به دین یهود یا نصاری، حشر با قارون و ورود به جهنم؛

« وَأَفِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٠﴾ »

امام علی علیه السلام فرمودند: «من ترک صلاته حتی تفوته من غیر عذر فقد حبط

عمله»

تعبیر «ذکری»: با توجه به آیه ۱۴ سوره طه «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾»

مهمترین مصداق اعراض از ذکر، روی گردانی از نماز است
تعبیر «ضنکاً»: به معنی سختی و تنگی است. مراد از سختی و تنگی زندگی،
نداشتن نیست، بلکه بسیاری از سرمایه‌داران به خاطر حرص، ترس و دلهره، در
فشار و تنگنا زندگی می‌کنند.

غفلت از نماز یعنی غفلت از یاد حق، که دارای آثار شوم و پیامدهای زیانبار است
که این عواقب را می‌توان در این ابعاد بررسی نمود:

الف. نابینایی دل

ب. فشار و تنگنایی در زندگی اثر دیگر غفلت از یاد خدا است:

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى)

شایان ذکر است که خدای سبحان بسیاری از انبیا و اولیای خود را با فقر آزمود، چنان که گروهی از مؤمنان را نیز با فقر می‌آزماید، بنابراین، فقر همواره نشان اهانت و عذاب الهی نیست. این نکته نیز روشن است که تمکّن مادی، با یاد حق منافات ندارد؛ ممکن است کسی به لحاظ تمکن در حدّ حضرت سلیمان علیه السلام باشد؛ اما به آن مُکنت دل نبندد و اهل یاد حق باشد. تعلق به طبیعت و دلبستگی به معیشت، مذموم است؛ نه اصل مال و ملک.

در غیر این صورت به زندگی شرک آلود مبتلا خواهید شد، پس از عواملی که مقدمات شرک را فراهم می سازد عبارتند از: عدم رجوع و انابه به خدای متعال، بی تقوایی و بی توجهی به نماز.

۳. سیطره ی شیطان

(وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ تَقِيًّا لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ)

بنابراین، برخی افراد چندین پوشش در طول هم یا در عرض هم دارند. برخی شیاطین، زمام مجاری ادراکی او و بعضی دیگر زمام مجاری تحریکی وی را بر عهده دارند. و از تمام جهات او را احاطه می کنند. سیاست شیطان گام به گام است:

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».

طبرسی می گوید: ویل لفظی است هر که در مهلکه واقع شود آنرا بکار برد و آن در اصل عذاب و هلاک است.

چکیده:

بزرگترین عقوبت نماز محرومیت از اداء خود نماز است با این حال به آثار نامطلوب ترک نماز را امر دنیوی و اخروی بر می شماریم:

الف. عقوبت دنیوی:

۱. زندگی مشقت بار

۲. مقدمه شرک

۳. سیطره ی شیطان

ب. عقوبت اخروی

۱. کوری در قیامت

۲. سقوط در درکات جهنم (ویل ، غی ، سقر)

۳. محرومیت از شفاعت شافعان.

درس چهارم

آنچه در این قسمت فرا خواهیم گرفت:

۱. بررسی آثار نماز در دنیا و آخرت.

۲. بررسی فوائد آثار نماز و نتیجه ی ثمر آن.

مقدمه

بررسی برخی آثار و نتایج اقامه نماز در زندگی فردی و اجتماعی موجب آشنایی بهتر مومنان با ماهیت تربیتی و انسان ساز این عبادت مبارک بوده و باعث اهتمام بیشتر آن در حیات ایمانی خواهد شد.

۱. دوری از فحشا و منکرات

قرآن کریم یکی از اساسی ترین و بارزترین آثار نماز را، در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی عنکبوت به نقش فردی و اجتماعی نماز در نفی آلودگی‌ها و عظمت یاد خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»

ترجمه: آنچه از کتاب (قرآن) به سوی تو وحی شده، بخوان [و پیروی کن،] و نماز را برپا دار؛ [چرا] که نماز از [کارهای] زشت و ناپسند باز می‌دارد؛ و البته یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خدا آنچه را با زیرکی انجام می‌دهید می‌داند.

* نکات

بنده ای که حقیقت نماز را محقق کند، موقعیت عصمت را برای خود فراهم نموده است زیرا دو تعبیر «الفحشاء» و «المنکر» در بردارنده تمام ناشایستگی هاست که نماز نقش بازدارندگی از تمامی آنهاست.

«فحشاء» جمع «الفحش» به معنای؛ القبیح الشنیع من قول أو فعل»

نماید) به آن دسته از ناپسندها که مورد تأیید عقل قرار نمی گیرد عنوان «منکر» اطلاق می گردد.

سپری که بین آدمی و فحشاء و منکر فاصله ایجاد می کند و مانع اثر گذاری این اعمال در وجود آدمی می گردد و روح ملکوتی انسان را از این آلودگی ها حفظ می کند، چیزی جز «اقامه نماز» نیست. خدای متعال ماهیت نماز را به گونه ای قرار داده که با فحشا و منکر تباین دارد.

انسانی که پنج بار در شبانه روز نماز می گذارد و به یاد نعمت های او می افتد و از او کمک می جوید، به همان اندازه ای که این نماز در روح او اثر می گذارد و از روح عبادت برخوردار می شود، این نماز او را از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد. یعنی نماز به صورت تکوینی و تشریحی انسان را از کارهای زشت منع می کند، اما این ممنوعیت درجاتی دارد و هر نمازی مرتبه ای از فحشا و منکر را دور می سازد و نماز گزار را مرحله به مرحله پاک می سازد.

۲. اثر نماز در رستگاری

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾

«وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» - و از نام پروردگارش یاد کرد و نماز گزارد.»
در این جا از اسم یاد کرد و صاحب اسم را خواست، و گزاردن نماز برای خود او
است نه برای نام او.

صفت مستمر کسانی است که دائماً به فکر نمازند: (الذین هم علی صلاتهم
دائمون)

نماز دارای آثار مهمی است که خداوند درباره حفظ آن دستور خاص داده است، نماز تعدیل‌کننده طبیعت حریص انسان است که هنگام سختیها جزوعانه فریاد می‌زند و زمانی که خیری به او می‌رسد، انحصارطلبی می‌کند، و از دادن آن خیر به دیگران امتناع می‌ورزد: (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً) غافل از این که اگر اهل سخاوت باشد آن خیر نازل، هم به دیگران می‌رسد و هم برای خودش می‌ماند، و اگر منع کند هم دیگران را از آن محروم و هم خود را بی‌بهره ساخته است. آنچه انسان را از این صفت زشت می‌رهاند و او را از بخل در عطا و از آسیب‌پذیری در حوادث نجات می‌دهد نماز است. تنها نمازگزارانند که از چنین صفت مذمومی به‌دورند: (إِلَّا الْمُصَلِّينَ)

خلاصه: اقامه نماز آدمی را به قوت نفسی می‌رساند که توفیق تعدیل طبیعت هلوع و جزوع و منوع را داراست، از این‌رو به جای اسم فاعل «نمازگزارنده» یا فعل «نماز می‌خوانند» صفت مشبیه

چنین نفس توان مندی که در سایه‌ی لطف نماز تلطیف و تزکیه شده اورا به چنان طهارت وجودی می‌رساند که معراج و قرب جزای چنین نمازگزارى است.

۴. سپری در برابر توطئه‌های شیطانی

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ».

ب. شیطان؛ «و من یتبع خطوات الشیطان فانه یأمر بالفحشاء و المنکر».

با این مقدماتی که بیان شد می توان نتیجه گرفت که نماز مهمترین سپر در برابر تحقق منویات شیطانی است.

بدین جهت عزم عمده ی شیطان برهم زدن جریان ذکر و مانع تراشی برای نماز است؛

«...و یصدُّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ...»

این آیه دربردارنده چند نکته است:

- در هر پیکاری ابزار و ادواتی به عنوان تجهیزات نبرد بکار گرفته می شوند در نبرد شیطانی نیز که خدای سبحان او را هم به عنوان دشمن آشکار یاد نموده و حتی تجهیزات او را نیز در آیه شریفه متذکر شده که دشمنی افکندن بین انسانها با ابزاری همچون شراب و قمار به این خوی دشمنی خود اقدام می نماید در این آیه به برخی پیامدهای زیانبار شراب خواری و قمار بازی اشاره شده است

- یاد خدا و نماز کمر شیطان صفتان را می شکند؛ وسلاحی برای دفاع در مقابله با شیاطین است. از این رو آنان به واسطه ی شراب و قمار، از یاد خدا و نماز جلوگیری می کنند.

با این که نماز هم، نوعی ذکر خداست، آن را به صورت ویژه بیان کرد، تا براهمیت نماز تأکید ورزد.

۵. اطمینان قلب و عروج نفس

خدای سبحان در نخستین وحی به موسای کلیم در آیات چهاردهم تا شانزدهم سوره‌ی طه به محتوای پیام الهی به موسی، یعنی توحید، معاد و نماز و حکمت آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»

ب) زندگی سخت اثر ترک یاد خدا؛ «و من أعرض عن ذكرى فان له معيشة
ضنكاً».

محصول امساک فیض اوست: «ما یفتح اللّٰه للنّاس من رحمة فلا ممسک لها و ما
یمسک فلا مرسل له من بعده».

و در پایان کسانی که برخوردار از چنین ذکر الهی باشند. اهل ذکر شمرده شده
و آنان به عنوان مرجع پاسخگویی به نیازهای علمی و معنوی معرفی شده اند.»
فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

آوردید و به وسیله آن به خداوند تقرب جوئید، زیرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: نماز فریضه‌ای است که در وقت معین بر اهل ایمان واجب شده است. آیا پاسخ دوزخیان را نشنیده‌اید که وقتی طبق گفته خداوند در قرآن از آنها می‌پرسند: «چه چیز شما را به دوزخ افکند» می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

نماز، گناهان را مانند ریزش برگ درختان می‌ریزد، و همچون رهایی چهارپایان از بند، انسان را رها می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه فرمود که بر در خانه مردی باشد و شبانه روز، پنج نوبت از آن شستشو کند، که در این صورت دیگر چرکی در بدن وی باقی نخواهد ماند.

مقام و اهمیت نماز را مردانی از مؤمنین می‌دانند که زینت کالای دنیا و فرزندى که نور چشم انسان است، و ثروت و دارایی، آنها را به خود مشغول نمی‌دارد چنانکه خداوند در قرآن مجید فرموده است: مردانی هستند که تجارت و داد و ستد دنیا آنها را از یاد خدا و اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.

با این که خدا، بهشت را به پیغمبر مژده داده بود از بس نماز می‌گزارد، خود را به رنج انداخته بود، و در این کار نظر به این آیه شریفه داشت: خانواده‌ات را فرمان ده نماز بگذارند، و خویشان نیز بر انجام آن شکیا باش.

از این رو پیغمبر هم خانواده خود را به انجام این فریضه بزرگ الهی وادار می‌کرد و هم خود نیز با بردباری به ادای آن می‌پرداخت.

۲- در کلمات قصار آن حضرت در اواخر نهج البلاغه، آن پیشوای عالی‌مقام معصوم و برگزیده خدا، پنج حکم بزرگ الهی را بدین گونه توصیف می‌کند: نماز وسیله تقرب و نزدیک شدن هر پارسائی به خداست، و حج، جهاد افراد ناتوان است.

هر چیزی زکات دارد و زکات و پاک کردن بدن، روزه گرفتن است. جهاد زن هم خوب شوهر داری کردن می‌باشد .

۳- نیز در فرمان مشهور مالک اشتر که پس از شهادت محمد بن ابی بکر در مصر او را به فرمانروائی کشور باستانی مصر منصوب داشت و باید آن را جهان بینی علی علیه السلام دانست، می فرماید.

هنگامی که برخاستی و خود را مهیا ساختی تا با مردم نمازگزاری، نماز را چندان طولانی مخوان که مردم را پراکنده سازی و سریع و تند هم مخوان که آن را تباه کنی.

زیرا در میان مردمی که با تو نماز می گزارند، کسانی هستند که علیل و بیمار و ناتوانند، یا گرفتاری و کار دارند. من از پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - هنگامی که مرا برای تبلیغ اسلام به یمن می فرستاد پرسیدم: چگونه با مردم نماز گزارم پیغمبر (ص) فرمود: با آنها مانند ناتوان ترینشان نماز گزار، و حال مؤمنین را رعایت کن .

۴- در خطبه (۱۳۱) از جمله می فرماید پروردگارا من نخستین کسی هستم که به حق رسید و آن را شنید و پذیرفت. به طوری که جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ کس در نماز بر من پیشی نگرفت.

۵- در نامه‌ای که به حارث همدانی از یاران نامدارش می نویسد از جمله مرقوم می دارد: در روز جمعه، مسافرت نکن تا بتوانی در نماز جمعه شرکت کنی، مگر این که کار واجبی (مانند جهاد) در راه خدا انجام دهی، یا به سراغ کاری بروی که شرعاً معذور باشی.

۶- در عهدنامه‌ای که برای محمد بن ابی بکر نوشت و او را روانه مصر نمود تا فرمانروای آنجا باشد، از جمله دستورهایی که به او داد فرمود: نماز را در اوقاتی که برای آنها تعیین شده به پای دار و به خاطر این که بیکاری و فرصت و وقت

داری، پیش از وقت آن را به جای نیاور، و به بهانه این که کار داری، آن را به تأخیر نینداز و این را بدان که تمام کارهایت پیرو نمازت می‌باشد .
به طوری که می‌بینید، مولای متقیان و سرآمد نمازگزاران مسلمین به فرمانگزار جوان خویش محمد بن ابی بکر دستور می‌دهد که نماز را چه فرادا و چه به جماعت بر هر کار دیگری اعم از شخصی و کشوری و لشکری مقدم بدارد و آن را در اول وقت ادا کند، و حق ندارد به بهانه کار یا گرفتاری آن را به تأخیر بیندازد، یا به دلیل این که کاری ندارد، پیش از وقت انجام دهد. بلکه باید طبق دستور خدا و پیغمبر عمل کند و به میل خود جلو و عقب نیندازد.

۷- از همه جالب‌تر اینست که در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان، لحظه‌ای پیش از آنکه جان به جان آفرین تسلیم کند، ضمن وصیت تاریخی خود به فرزندان گرامیش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام از جمله می‌فرماید: خدا را، خدا را که برپا داشتن نماز را از یاد نبرید، زیرا نماز ستون دین است .
می‌دانیم که امیر المؤمنین علیه السلام در اینجا به سخن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نظر داشته که فرموده است: نماز ستون دین است که اگر پذیرفته شد، سایر اعمال نیز به طبع آن پذیرفته می‌شود و اگر مقبول نیفتاد سایر اعمال دیگر بندگان هم مردود شناخته می‌شود. نتیجه کلام این که علی علیه السلام در شب قدر یعنی بهترین شب سال، در حال نماز، ضربت خورد و در شب قدر هم با سفارش به اهمیت مقام نماز و دیگر ارکان اسلام، چشم از جهان ظلمانی فرو بست و روح بلند پروازش به ملکوت اعلا پرواز کرد.

نماز، نخستین حکم الهی بود که چند روز پس از بعثت پیغمبر خاتم، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم توسط جبرئیل امین از جانب خداوند صادر گردید و پیغمبر با تعلیم پیک وحی، آن را معمول داشت. بدین گونه که پیک

وحی الهی، جبرئیل امین، چند روز بعد از آن که پیغمبر به مقام نبوت رسید، برای دومین بار بر آن حضرت نازل گردید و آبی از آسمان آورد و طریقه وضو گرفتن و نماز گزاردن و رکوع و سجود را به پیغمبر آموخت.

بنا بر این، نماز این فریضه بزرگ الهی و عالیترین فرمان خداوند عالم که بهترین حالت یک انسان با ایمان و بنده خدا در پیشگاه الهی است، نوبت احکام اسلام است و از همین جا نیز باید قدر آن را دانست و به اهمیت آن پی برد.

نکته جالب توجه اینست که پس از پیغمبر، نخستین کسی که از مردان آن را به پا داشت علی علیه السلام و آنهم در سن نه سالگی بود که در خانه پیغمبر به سر می برد و چون پیغمبر وضو گرفت او نیز وضو گرفت و همین که رسول خدا به نماز ایستاد، آن وجود مقدس هم در آن سن و سال، پشت پیغمبر (ص) خدا ایستاد و در پشت سر علی علیه السلام هم تنها خدیجه بود که به عنوان اولین زن به نماز ایستاد و با پیغمبر (ص) نماز جماعت گزاردند. و اولین اقامه نماز، هم به جماعت بود، جماعتی این چنین که پیغمبر (ص) در جلو و علی پسر بچه نه ساله در پشت سر آن حضرت و خدیجه، همسر پیغمبر در پشت سر علی (ع). می بینید که علی علیه السلام سراینده نهج البلاغه، چه رابطه ای با نماز، این دستور عالی آسمانی دارد که شش سال پیش از بلوغ و قبل از همه، آن هم در پشت سر پیغمبر (ص) و برای نخستین بار به عنوان وظیفه دینی که پیغمبر ختمی مرتبت از جانب خداوند مأمور به انجام آن شده است، آن را معمول داشت. پس علی علیه السلام نخستین نماز گزار اسلام است.

حق نماز

«تعاهدوا امر الصلو و حافظوا علیها و استکثروا منها. و تقریبا بها»

امر نماز را مراعات کنید و چنانکه باید بپا دارید و بر حفظ آن بکوشید و زیاد بجا آورید و به وسیله آن به خدا تقرب جوئید.

برای شرح این فراز، ذکر چند نکته مفید است:

نکته اول: خداوند متعال برای خود و برای هر چه آفریده و یا امر به انجام آنها نموده، حقوقی را مقرر فرموده است که بنده باید در ادای آنها سعی و کوشا باشد. بزرگترین حقوق ربانی بر انسان، حقی است که حق تعالی برای او واجب دانسته و آن نیست مگر عبادت و بندگی و دوری از شرک و بت پرستی. و در حقیقت این، اصل و ریشه‌ی حقوق است. سپس خداوند برای آدمی حقوقی لازم داشته است که کلیه اعضاء و جوارح او را از سر تا به پا شامل می‌گردد. و سپس برای کارها و افعال وی نیز حقوقی را واجب دانسته که از جمله این افعال «نماز» است. بنابراین برای نماز حقوقی است که باید انسان مسلمان و نماز گزار به ادای آن بپردازد. چنانکه حضرت علی علیه‌السلام در کلام مذکور فرمود:

«در امر نماز تعهد کنید و مواظب آن باشید و هر چه بیشتر آن را بجا آورید.»

نکته دوم: از جمله حقوق نماز این است که نماز گزار بر حفظ آن بکوشد و از وقت فضیلت آن و از آداب و شرایط قلبی آن غافل نماند. در قرآن کریم نیز محافظت بر نمازهای واجب، از ویژگی مومنان شمرده شده است: «**والذین هم علی صلواتهم یحافظون**» آنها (مومنین) کسانی هستند که در حفظ نمازهای خویش می‌کوشند.

نکته سوم: یکی دیگر از مسائلی که حضرت در انجام آن امر فرموده، بسیار بجا آوردن نماز است. در توضیح این کلام دو احتمال وجود دارد: یکی این که مراد، نماز نافله است. یعنی علاوه بر انجام نمازهای یومیه، نمازهای نافله و مستحبی را نیز زیاد بجا آورید. احتمال دوم این است که مراد حضرت بسیار خواندن نمازهای واجب می‌باشد. این احتمال - هر چند امام علیه‌السلام در مقام واجباتی مانند نماز و

روزه و زکات و... می‌باشد- بعید به نظر می‌آید، زیرا نمازهای واجب محدودند و بسیار خواندن معنا ندارد. مگر این که منظور از زیاد خواندن، مداومت بر آنها باشد.

نماز ستون دین

و الله، الله فی الصلو ، فانها عمود دینکم. (نامه‌ی ۴۷)

خدا را، خدا را که نماز را از یاد نبرید، زیرا آن ستون دین شماست. یکی از عواملی که از نقش تربیتی موثری برخوردار است نماز می‌باشد و از این رو در میان دیگر فروع دین جایگاه ویژه و ممتازی دارد تا آن جایی که امیرالمومنین علی علیه السلام نماز را ستون دین معرفی کرده و رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم می‌فرماید: «نماز ستون دین است، پس کسی که از راه انکار نمازش را نخواند و ترک کند، راستی که دینش را خراب و ویران کرده است».

بنابراین نماز چون ستون بوده و سایر اعمال مانند میخهای خیمه‌ی دین می باشند که کارایی میخها و طنابهای خیمه‌ی دین مستلزم بودن عمود مستقیم دین یعنی «نماز» است. جالب این که فرمود «عمود دین» و عمود زمانی نقش خود را می تواند تماما ایفا کند که مستقیم و راست باشد نه کج و معوج. لذا نمازی ستون دین است که مستقیم و با صحت و کمال صورت گیرد.

گویند: نماز بدین جهت ستون دین و نخستین فریضه است که معرفّ مسلمان و شناسه‌ی اوست. مسلمان به وسیله‌ی نماز شناخته می شود، زیرا هیچ یک از واجبات دینی چون نماز در هر شبانه روز و در اوقات معینی تکرار نمی گردد، این نماز است که در هر صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا باید خوانده شود. روزه فقط یک ماه از دوازده ماه و حج فقط یک بار در تمام عمر آن هم با وجود استطاعت بر مسلمان واجب است. لذا کسی که نماز خواند از منافع و مزایای اجتماعی و دینی و سایه‌ی خیمه‌ی عظیم و کاخ رفیع و با شکوه اسلام بهره مند می شود.

نماز، بهترین وسیله تقرب به خدا

«والصلو قربان کل تقی».

و نماز وسیله تقرب و نزدیک شدن هر انسان پرهیزگاری به خداست. شکی نیست که همه انسانها فطرتاً به نوعی دنبال کمال هستند و هر یک کمال خود را در چیزی می دانند. از نظر اسلام، آدمی برای رسیدن به کمال حقیقی باید سعی کند با تخلق به اخلاق الهی هر چه بیشتر خود را به منبع و سرچشمه کمال یعنی خداوند متعال نزدیک کند و برای حصول این تقرب، راههایی پیش روی مسلمین قرار داده است. از مهمترین و موثرترین راهها «اقامه نماز» است. پس یک انسان متقی به وسیله نماز به خدا تقرب می جوید.

نماز ای بهترین رابط میان بنده و خالق بوقت سنجش ایمان گواه عاشق صادق نماز کامل، سبب قرب و منزلت و نزدیکی به معبود است، زیرا چنانکه ثابت و محقق است انسان به هر چه رو آورد و توجه کامل به او داشته باشد به وی نزدیک می‌گردد و از اسرار و خصوصیات آن اطلاع پیدا می‌نماید، چگونه ممکن است کسی روی دل را به معبود وادارد و از قریبش بی نصیب گردد؟ هرگز ممکن نیست.

لکن قرب مخلوقات نسبت به او تفاوت بسیار دارد.

قرب و نزدیکی هر کسی نسبت به خداوند متعال به قدر کمالات نفسانی است. انسان وقتی کامل می‌گردد که عظمت و کبریائی الهی چنان در اعماق قلب وی فرو رفته و بر او استیلا نموده باشد که خود و موجودات را غرق دریای عظمت حق ببیند، بلکه اصلا خود و آثار خود را در میان نبیند.

رسد آدمی بجایی که بجز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت لذا با توجه به آنچه گفته شد معلوم می‌گردد که نماز حقیقی و کامل، عملی است که انسان را به قرب معنوی رسانده و او را بر اثر مداومت و حضور قلب به خداوند متعال بیشتر نزدیک می‌کند و مقام و منزلتی خاص به پیشگاه الهی پیدا می‌کند. البته در جایی دیگر امیرالمومنین علی علیه‌السلام «نماز و زکات» را با هم عامل تقرب به خدا معرفی کرده و می‌فرماید:

«ثم ان الزکاة جعلت مع الصلوة قربانا لاهل الاسلام» پس برای مسلمانان زکات با نماز وسیله تقرب قرار داده شد.

و نیز از آن جایی که حقیقت دین به یک معنا همان عبودیت و بندگی و خضوع و خشوع و اظهار مسکنت و خاکساری در برابر جلال و جبروت خدای سبحان و در مقابل عظمت کبریای اوست و نماز بالاترین و بهترین نشانه‌ی حالت عبودیت و بندگی است، پس نماز حقیقت دین و ستون آن است.

نماز دربرگیرنده آثار و برکاتی است. با توجه به فرمایشات حضرت علی(ع) به بیان برخی از موارد آن می‌پردازیم:

الف - نماز علامت ایمان: «قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: علم الايمان الصلوة فمن فرغ لها قلبه و قام حدودها فهو مؤمن». «رسول خدا فرموده است: نماز پرچم و علامت ایمان است. پس هر کس قلبش را آماده نماز کند و حد و حدود آن را رعایت کند، مؤمن است.»

ب - نماز، جدایی از کبر: حضرت علی(ع) در این که نماز باعث می‌شود فرد از کبر پیراسته شود، فرمودند: «فرض الله... والصلوة تنزيها عن الكبر و الزکو تسبباً للرزق» «خداوند برای وارستن از کبر نماز را و برای رویش روزی زکات را مقرر کرده است.»

پ - ارزش نماز و تأثیر بر کارهای دیگر: «واعلم ان كل شيء من علمك تبع لصلوتك» «و بدان که هر کار دیگری در ارزش تابع نمازت خواهد بود.»

ت - نماز، نزول رحمت: «لو يعلم المصلی ما یغشا من الرحمة لما رفع راسه فی السجود» «اگر نمازگزار بداند که چه هاله‌ای از جلال خدا او را فرو می‌پوشاند، هرگز دوست ندارد که سر خود را از سجده‌اش بردارد.»

ث - نماز و آموزش: امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: هر کس نماز را با معرفت به حق آن به جای آورد، آموخته می‌شود.

اهمیت نماز اول وقت

صل الصلوة لوقتها لها و لا تعجل وقتها لفراغ و لا تؤخرها عن وقتها لاشتغال.^۱

۱. نهج البلاغه فیض، نامه ی ۲۷، ص ۸۸۸.

نماز را در وقت معین آن بخوان و بخاطر این که بی کاری، پیش از وقت، آن را بجا نیاور و به بهانه ی کار داشتن، آن را به تاخیر نینداز.

از آن جایی که نمازهای یومیّه بلکه تمامی فرایض الهی، اوقات معین و مشخصی دارند، نمازگزار با رعایت اوقات نماز رفته رفته با انضباط و وقت شناس می شود و در واقع، نماز « تمرین وقت شناسی » است، چه این که این واجبات دلخواهی نیست که هر وقت و بی وقت انجام شود، بلکه باید سر وقت مقرر صورت گیرد نه زودتر و نه دیرتر. انسان نماز گزار باید خوب نمازش را به اوقات معین بخواند تا اگر هم نواقصی دارد خداوند با نماز نیکانش قبول نماید.

نماز خویش را وقتی معین به پیش از وقت اگر فارغ زکاری نشاید نیز از وقت مقرر نه در پس بیدش افکند و نی پیش بکن بگذر ز پیش و پس فکندن نمازت را نمی باید گذاری
نمایی کاهلی، داری موخر بیاید خواندش در موقع خویش

استاد شهید حضرت آیت الله مطهری قدس سره در این باره می فرماید:

مسأله دیگری که در باب نماز مورد توجه واقع شده دقت زیاد نسبت به مسأله ی وقت است، بطوری که دقیقاً روی دقیقه و ثانیه ی آن حساب می شود، بدون شک این امر در روح عبادت و رابطه انسان با خدا مؤثر نیست که مثلاً اگر ما یک دقیقه قبل از زوال ظهر نماز را شروع کنیم آن حالت تقرب و توجه قلب به خدا پیدا نمی شود، ولی همین قدر که در زوال ظهر انجام شد تقرب ایجاد می شود. اما اسلام این را شرط قرار داده و نخواست هرج و مرج از نظر وقت و زمان باشد. نوعی وقت شناسی و تمرین احترام گذاردن به نظم زمانی و وقتی است. مثلاً نماز را می خوانیم، بعد متوجه می شویم که در وقت نبوده، یا قسمتی از آن در وقت بوده و قسمت دیگر نبوده، این نماز باطل است. ولی اگر شخص اشتباه و عمد نداشته باشد، نمازش را قبل از وقت شروع کند و مثلاً یک رکعت آن در وقت باشد، نمازش درست است.

بنابر آنچه که گفته شد پاسخ افرادی که می‌گویند: ما منکر فلسفه و اهمیت نماز و اثرات تربیتی آن نیستیم. لکن چه لزومی دارد که در اوقات معینی انجام گیرد، آیا بهتر نیست که مردم آزاد گذاشته شوند و هر کسی به هنگام فرصت و آمادگی روحی این وظیفه را انجام دهد؟ روشن می‌شود. چون تجربه نشان داده که اگر مسائل تربیتی تحت انضباط و شرایط معین قرار نگیرد، عده‌ای آن را به دست فراموشی می‌سپارند و اساس آن به کلی متزلزل می‌گردد. این گونه مسائل حتماً باید در اوقات معین و تحت انضباط دقیق قرار گیرد تا هیچ کس بهانه‌ای برای ترک آن نداشته باشد، به خصوص این که انجام این عبادات در وقت معین خصوصاً به صورت دست جمعی دارای شکوه و تاثیر و عظمت خاصی است که قابل انکار نمی‌باشد و در حقیقت یک کلاس بزرگ انسان سازی تشکیل می‌دهد.

اما درباره‌ی فضیلت خواندن نماز در وقت آن و عقوبت تاخیر انداختن در ادای آن، روایات بسیاری در منابع روایی وارد است که در این جا توجه شما را به کلام گهر بار رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم جلب مینماییم: "همانا ملک الموت یا فرشته‌ی مرگ تحویل گیرنده روح در هنگام مرگ هر روز پنج بار به همه‌ی خانه‌ها سر می‌زند و این سرزدن در هنگام اوقات نمازهای پنجگانه می‌باشد، و افرادی رامشاهده می‌کند که نمازهای پنجگانه‌ی خود را سر وقت بجا آورند، لذا هنگام مرگ و قبض روح، کلمات شهادتین "لا اله الا الله" و "محمد رسول الله" را به محتضر تلقین می‌کند و ابلیس را هم از او دور می‌گرداند."

بجای آور! سپس به نماز ایستادند.

همان طوری که بدن گاهی بر اثر آلودگی نیاز به نظافت و تمیزی دارد، روح و روان او نیز بر اثر گناهان و خطاها، آلوده و مکدر شده و نیاز به شستشو و رفع کدورت دارد. از نظر علی علیه السلام، نماز یکی از مهمترین و موثرترین عامل وارستگی ها و شستشوی گناهان و رفع و دفع کدورتها و پلیدیهای روحی است. زیرا خواه ناخواه نماز، انسان را به توبه و اصلاح گذشته دعوت می کند. خداوند متعال نیز در قرآن کریم حسنات را عامل از بین برنده ی سیئات معرفی می کند که از مهمترین حسنات نماز است: "اقم الصلوة طرفی النهار و زلفا من اللیل ان الحسنات یذهبن السيئات".

با ما نماز را نخواندی؟ و برای آن به خوبی وضو نگرفتی؟ عرض کرد: آری، فرمود: این کفاره گناه تو است.

ناپسند باز داشته است یا نه؟ و هنگامی که نماز با حضور قلب و دیگر شرایط لازم در صحت و قبول آن برگزار گردد، مصداق کامل حسنه ای است که در پایان آیه فرمود: "ان الحسنات یذهبن السيئات". باید درون را از گناهان و آلودگیها پاک کرد تا نماز، قر العین شود:

موانع تا نگردانی ز خود دور	درون خانه ی دل نایدت نور
تو تا خود را به کلی در نبازی	نمازت کی شود هرگز نمازی
چو ذاتت پاک گردد زین همه شین	نمازت گردد آنکه قره العین